



## دربارهٔ بیتی از بوستان

(گوشت خوردن زنان، ننگ و رسوایی مردان)

وحید سبزیان پور

نشان دهد زنان ایرانی بی‌اجازه مرد حق خوردن غذا نداشته‌اند  
و اگر زنی چنین می‌کرد، شوهرش روسیاه و بی‌آبرو می‌شده‌است.  
با توجه به ابیات قبل و بعد این بیت، باید گفت سخن از  
بی‌حیایی زن و غیرت مرد است. در بیت ماقبل سخن از  
خندیدن در روی بیگانه و بی‌غیرتی شوهر و در بیت بعد سخن  
از بیرون رفتن زن از خانه و آرزوی مرگ اوست:  
چو در روی بیگانه خندید زن  
دگر مرد گولاف مردی مزن

به نظر می‌رسد «دست در قلیه کردن» کنایه‌ای است که  
سعدی خود ساخته و بر اساس قراین در معنای خودنمایی در  
مقابل بیگانه و بی‌حیایی است.  
دلیل ما این است که در چهار بیت بعد از آن نیز سخن از  
هرزه‌گردی زن و توصیهٔ سعدی به فرار مرد به دهان نهنگ و

زن شوخ چون دست در قلیه کرد  
برو گو بنه پنجه بر روی مرد (بوستان، ۱۶۴)

یوسفی در شرح این بیت نوشته است (۳۸۳):

زن گستاخ و بی‌حیا چون در قلیه (گوشت در تابه  
بریان کرده)، یعنی در غذا، پنهانی دست برد دیگر مرد را  
روسیاه و بی‌آبرو می‌کند. پنجه بر روی کسی نهادن کنایه  
از روسیاه کردن است که در برهان قاطع به صورت «پنجه  
بر روی زدن» آمده است.

به راستی چه ربطی میان شرمساری مرد و گوشت خوردن  
پنهانی زن وجود دارد؟ این تفسیر یوسفی از بیت سعدی نشانه  
چیست؟ بخل مردان ایرانی یا محدودیت بسیار زنان ایرانی؟ آیا  
زن ایرانی بی‌اجازه شوهر حق خوردن گوشت نداشته است؟ در  
آثار گران سنگ ادبی و تاریخی ما هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که



تر جیح مرگ به زندگی و دور کردن زن از چشم بیگانگان است:

ز بیگانگان چشم زن کور باد  
چو بیرون شد از خانه در گور باد  
چو بینی که زن پای برجای نیست  
ثبات از خردمندی و رای نیست  
گریز از کفش در دهان نهنگ  
که مردن به از زندگانی به ننگ  
پوشانش از چشم بیگانه روی  
وگر نشنود چه زن آنکه چه شوی

یوسفی در معنای «پای برجای نیست» نوشته است (ص ۳۸۳): «به هرزه گردی می‌رود و در پاکدامنی ثابت قدم نیست.»

خزائلی در شرح بیت مذکور نوشته است (۳۲۷):

در قدیم بعضی زنان نادان دزدیده از شوهر خود گوشت  
بریان کرده یا پخته از دیگ برمی‌آوردند و خود می‌خوردند.  
شیخ می‌فرماید: زنی که چنین کاری کند و از باب بی‌پروایی

دست به چنین کاری زند، چنان است که پنجه چرب خود  
را بر روی مرد کشیده و روی او را آلوده و سیاه ساخته است.  
هرچند احتمال زیر از نظر خزائلی به شکل ضعیف آمده اما  
تفسیر حقیقی بیت همین است:

بعضی «قلیه» را کنایه از عورت مرد گرفته‌اند. سعدی قلیه  
را به معنی رنگ و حنا پنداشته و مراد از دست زدن زن در  
«قلیه» به نظر وی آرایش کردن زن برای دیگران است، اما  
چنین معنی برای قلیه در فرهنگ‌های فارسی و معجم‌های  
عربی یافت نشد.

#### منابع:

- بوستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران:  
انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸.
- شرح بوستان سعدی، محمد خزائلی، تهران: سازمان انتشارات  
جاویدان، چاپ پنجم، ۱۳۶۳.